

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

یکی از نکاتی که در رابطه با این آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» (سوره نور، آیه 31) باید مورد بحث واقع بشود این است که آیا می‌توانیم از این آیه شریفه استفاده کنیم که ابداء زینت برای این دوازده گروهی که در آیه شریفه ذکر شده است که تماماً عنوان محارم را دارند (یا محارم بالمصاهره است و یا محارم نسبی است) ابداء زینت برای اینها جایز است یا نه؟ آیا از این آیه شریفه استفاده می‌شود که زن می‌تواند به آن کسی که محرم با او هست بدن خودش را عریاناً نشان بدهد! غیر از مسئله عورت؛ که اجماع بر لزوم ستر عورت هست و فقط نسبت به بعوله و ملک یمین استثناء شده است.

آیا زن می‌تواند سائر اعضاء بدنش را به محرم خودش نشان بدهد و ابداء کند و همچنین آیا محارم مثل پسر، پسر برادر، پسر خواهر، نوه و هر کسی که عنوان محرم را دارد، آیا محرم می‌تواند به همه اعضاء بدن زنی که محرم او هست نگاه بکند «الا العورة» یا اینکه نه از آیه چنین چیزی استفاده نمی‌شود! قبل از اینکه مفاد آیه را بررسی کنیم، به این نکته اشاره کنم که مسئله از نظر فقهی مورد اجماع است؛ یعنی اجماع فقهاء بر این است که محرم می‌تواند به همه‌ی اعضاء بدن زنی که با او محرم است نگاه بکند «الا العورة»

فرق بین محرم فقهی و محرم عرفی

این نکته را عرض کنیم که بین محرم فقهی و محرم عرفی فرق وجود دارد؛ محرم عرفی یعنی آن کسی که نگاه کردن به او جایز است. مانند مادر، خواهر، اینها می‌شوند محرم عرفی، یعنی «من يجوز النظر اليه». اما محرم فقهی یعنی «من يحرم نکاحهن» کسی که ازدواج با او حرام است، محرم فقهی یعنی کسی که ازدواج با او حرام است، آن وقت روی این حساب اخت الزوجه محرم فقهی است، محرم فقهی یعنی کسی که نکاح با او حرام است اما محرم عرفی نیست، اینجا هم فقهاء عبارت را روی همین محرم فقهی آورده‌اند.

مثلاً مرحوم سید در (مسئله 32 نکاح عروه) می‌فرمایند: «يجوز النظر الى المحارم التي يحرم عليه نکاحهن»^[1] محارم را معنا می‌کنند التي يحرم عليه نکاحهن آن وقت «نسباً او رضاعاً او مصاهرة ما عدی العورة مع عدم تلذذ و ريبه» می‌فرمایند به این محارمی که نکاح با آنها حرام است، نکاح با مادر حرام است، با خواهر حرام است، با خاله حرام است با عمه حرام است. اینجا خیلی از فقهاء گفته‌اند حق این بود که مرحوم سید «يحرم دائماً» می‌فرمود! چون جمع بین اختین جایز نیست و نکاح او حرام است اما نظر به او جایز نیست، منتهی آن يك حرمت موقت است یعنی تا مادامیکه خواهر او در حباله مرد است با او نمی‌شود ازدواج کرد، خواهر او که طلاق داده شد یا از دنیا رفت می‌شود با او ازدواج کرد، مراد از محرم فقهی یعنی «من يحرم ابداً و دائماً عليه نکاحهن».

اینجا بحث در این است آن کسی که محرم فقهی است و نکاح با او برای همیشه حرام است آیا نظر به اعضاء او جایز است یا نه؟ همه فقهاء فرموده‌اند که با دو قید جایز است: 1- عورت نباشد (الا العورة) 2- لذت و ربه‌ای هم در کار نباشد. این کتاب عروه ای که در این اواخر چاپ شده با پانزده حاشیه از حواشی بزرگان و اعظم از فقهاء، هیچ کسی را من ندیدم که بر این مسئله حاشیه‌ای زده باشند. امام (رض) در تحریر هم همین نظر را دارند، مرحوم والد ما هم (رض) در این مسئله نه بر عروه حاشیه‌ای دارند و نه در آن شرحی که بر تحریر مرقوم فرموده‌اند، با متن مخالفت نکرده‌اند بلکه موافقت کرده‌اند.

و نظر همه ی این بزرگان بر این است که نظر به محرم من دون ربه و لذت (غیر از عورة) جایز است .

ادله فقهاء بر جواز نظر به محارم

دلائلی را که فقهاء آورده‌اند برای این معنا عبارتند از:

1- اجماع و ضرورت. مسئله از مسائل مسلمة و اجماعیه است، بالاتر از این اجماع، صاحب جواهر ادعای ضرورت می‌کند. ضرورت یعنی ضرورت فقه است، ضروری فقه یعنی آنی که جای مناقشه فقهی در آن نیست، همه ی فقهاء فرموده اند جایز است.

2- سیره متشرعه من زمن الرسول (ص) الی زماننا هذا. سیره متشرعه اینطور نیست که درخانه اگر فرض کنیم مادر گردش پیدا باشد، یا يك مقداری از سینه او پیدا باشد، یا بازوی او پیدا باشد اینجا استنکاری بکنند و این را جایز ندانند؛ سیره متشرعه بر چنین معنای هست. اینطور نیست که در خانه مادر خودش را بپوشاند فرض کنید که فقط موی سر او پیدا باشد غیر از موی سر سایر اندام هم گاهی اوقات پیداست متشرعه از این ابای ندارند و استنکار نمی‌کنند.

3- روایات تغسیل: علاوه ی بر اجماع و ضرورت و سیره متشرعه، در باب غسل میت روایاتی وارد شده است که در آنجایی که مماثل وجود ندارد محارم می‌توانند زنی را که از دنیا رفته يك مردی که محرم او هست می‌تواند حتی مجردتاً و عاریه باستثناء عورت او را بشوید.

بررسی مفاد آیه شریفه

از همه ی اینها که بگذریم، می‌خواهیم ببینیم از آیه شریفه آیا این معنا استفاده می‌شود یا نه! آیه شریفه می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْإِرَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ...» ما قبلاً راجع به این آیه شریفه بحث‌های زیادی کردیم، اگر در ذهن شریف تان باشد، در جملات قبل این آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» آنجا گفتیم مجموعاً سه احتمال راجع به زینت وجود دارد.

مبنای مشهور: مشهور زینت را به مواضع الزینه معنا کرده اند، لا یبدين این مواضع زینت را الا آن مواضع ظاهره. حالا طبق همین معنا پیش برویم اگر ما زینت را به مواضع زینت معنا کردیم، که مواضع ظاهره مثل وجه و کفین است . آن جمله دومی که می‌فرماید : «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» گفتیم مواضع زینت باطنی مانند سینه، بازو، مچ پا که خلخال به او می‌بندند، که همه اینها می شود جزء مواضع زینت باطنه. اگر گفتیم آیه می‌فرماید مواضع زینت یعنی آن مواضع ظاهره جایز است، نتیجه این می‌شود

مواضع زینت باطنی را برای این دوازده گروه می‌توانند نشان بدهند، حالا مواضع زینت باطنه را بگوییم گردن هست، يك مقدار پایینتر سینه است، این اندازه، باز مواضع زینت باطنی است، مچ پا از مواضع زینت باطنی است. نتیجه این میشود که آیه بر این که زن خودش را عاریاً به محرمش نشان بدهد الا العروة دلالت ندارد؛ طبق این بیان نتیجه این می‌شود که زن به محرم خودش می‌تواند مواضع زینت باطنه را فقط نشان بدهد. اما ثدی، شکم و ران زن اینها که مواضع زینت باطنه نیستند! اینها جایی نیست که بخواهد زینت بشود؛ اینها را دلالت ندارد. پس طبق بیان مشهور که در اینجا می‌گویند مراد مواضع زینت هست نتیجه این می‌شود.

مبنای فخر رازی: مبنای دوم که فخر رازی در تفسیر داده بود و مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) هم همین را پذیرفتند فرموده اند: مراد از زینت یعنی خود زن؛ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ای انفسهن، برای اینکه زن خودش عنوان زینت را دارد، زن به تمامه عنوان زینت را دارد. اگر این معنا را پذیرفتیم به خوبی دلالت بر مانحن فیه دارد؛ چون آیه می‌فرماید: «و لا یبدین زینتهن ای انفسهن الا ما ظهر منها» ما ظهر و چه و کفین است. در ادامه می‌فرماید: «و لا یبدین زینتهن» الا برای این دوازده گروه، آیه می‌گوید انفسهن را خودشان را می‌توانند برای این دوازده گروه نشان بدهند، موی سر، گردن، سینه، شکم، ران و هرجا را می‌توانند نشان بدهند فقط عورت را حق نشان دادن ندارند.

پاسخ حضرت استاد به مستشکل

داریم می‌گوییم نظر به محارم، نظر به اعضاء بدن محارم جایز است با دو قید؛ یکی این که عورت نباشد. دوم نظر با لذت و ریه هم نباشد. و در اینکه مراد از عورت چیست آن را هم در فقه بحث کرده‌اند، مشهور می‌گویند عورت قُبُل و دُبُر هست اما يك روایت معتبری وجود دارد که مراد از عورت «ما بین السرة و الركبة» است بین ناف تا ران را عورت اطلاق می‌کنند، که آن در جای خودش باید مطرح بشود. اما عورت نباشد، لذت و ریه هم نباشد می‌شود نظر به محرم کرد و بالعکس محارم هم می‌توانند به فرزندان خودشان، مادر می‌تواند به همه اعضاء بدن فرزندش الا العورة، اعضاء برادرش الا العورة، زن به اعضاء پدر شوهرش الا العورة، همه را می‌تواند نظر بکند.

هر کسی که عنوان محرم را پیدا کرد حالا یا محرم عرفی بگوید یا محرم فقهی که معنا کردیم هم مردی که محرم فقهی است می‌تواند نگاه کند، هم زنی که محرم فقهی است می‌تواند نگاه کند. عروس می‌تواند به همه ی بدن پدر شوهر خودش نگاه کند الا العورة، داماد می‌تواند به بدن مادر زن خودش نگاه کند الا العورة، همه اینهای که عنوان محرم را دارند. حالا البته این نکته را عرض بکنیم بحث فقهی يك بحثی است اما کنار این بحث فقهی دستوراتی که در اسلام وجود دارد برای این که آن ادله کلی که مسئله لزوم رعایت حیا را مطرح می‌کند اموری که سبب شکسته شدن حیا و عفت در میان خانواده می‌شود آنها هم يك بحثهای دیگری است که در جای خودش باید مطرح بشود، در بحث فقهی ما فقط دائر مدار این احکام تکلیفیه هستیم، می‌خواهیم ببینیم از نظر حکم تکلیفی اگر عروس به بدن پدر شوهر خودش نگاه کرد، من دون لذت و ریه حرام است یا جایز است؟ اگر داماد به بدن مادر زن نگاه کرد، پسر به بدن مادر نگاه کرد اینها را می‌خواهیم ببینیم از نظر فقهی جایز است یا جایز نیست؟ اما از نظر تربیتی، از نظر رعایت حیا، و از نظر ومسائل دیگر آن يك عناوین دیگری دارد که باید در جای خودش مورد بحث قرار بگیرد.

مبنا و نظر حضرت استاد

تا اینجا دو مبنا را توضیح دادیم، اما مبنای سوم که مبنای خود ما بود، عرض کردیم که «زینت» در اینجا معنای لغوی مراد است؛ یعنی «ما تتزین به المرأة» زینت نه بمعنای مواضع زینت است، نه بمعنای ذات زن است بلکه همان زینت مصنوعی که خود زن برای خودش قرار می‌دهد؛ ما تتزین به المرأة. اگر گفتیم «ما تتزین به المرأة» هست نتیجه مثل نتیجه مبنای اول است؛ یعنی آن مواضعی که زن زینت ظاهری می‌کند، گفتیم اگر زینت ظاهری مثل انگشتر نشان دادنش جایز باشد، ملازمه دارد که

موضعش هم جایز باشد. آن وقت و لا یبدین زینتهن الا برای این دوازده گروه، یعنی زینت باطنی که مصنوعی است، گوشواره ای که به گوش است، (در بعضی از کلمات گوشواره را هم جز زینت ظاهره حساب کرده‌اند، اما غالباً جزء زینت باطنه می‌دانند)، گوشواره و گردنبند جزء زینت باطنی است. این مقدار را آیه فقط دلالت دارد؛ روی مبنای ما آیه دلالت بر این که زن جمیع اعضاء بدن خودش را الا العورة بتواند برای محرم ابداء بکند ندارد؛ فقط مواضع زینت باطنی را و خود زینت باطنی آن مقداری که زینت باطنی است، مثلاً بازو محل زینت باطنی هست، گردن و سینه تا آن مقداری که گردنبند متعارف است مواضع زینت باطنی هست اما بقیه اعضاء عنوان مواضع زینت باطنی را ندارد. این نتیجه ی سه مبنای که قبلاً بیان کردیم. آیه این مقدارش را دلالت دارد روی این توضیحی که عرض کردیم.

اجماع داریم، سیره قطعیه داریم، ضرورت داریم روایات هم عرض کردیم هم در باب تغسیل اموات داریم هم در بعضی از ابواب دیگر. فقط تنها چیزی که در مقابل این ادله ممکن است مطرح بشود آن حدیثی است که از تفسیر ابی الجارود نقل کردیم، قبلاً روایتش را گفتیم و مفصل مورد بحث قرار دادیم. در تفسیر ابی الجارود از امام باقر (ع) نقل می‌کند که از حضرت سؤال شده (البته تفسیر ابی الجارود در ضمن تفسیر علی بن ابراهیم قمی هست) راجع به این آیه و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها - اول می‌گوید ما ظهر منها یعنی کحل، خاتم، ثیاب بعد می‌گوید: «الزينة ثلاث، زينة للناس - زینت للناس را می‌گوید - فهو ما ذکرناه - زینت للناس همین است که ما ذکر کردیم یعنی کحل و خاتم و ثیاب و سوار اینها زینت للناس است - و زينة للمحرم - آن وقت به زینت للمحرم که می‌رسد می‌گوید: زینت للمحرم موضع القلاذه = گردنبند - و الدمیج = بازو بند - و الخلال - اینها را می‌گوید زینت برای محرم است.

بعد می‌گوید: اما زینت الزوج فالجسد كله» آنی که زینت برای زوج است تمام جسد است. آیا به این روایت ابی الجارود می‌شود استدلال کرد؟ یعنی مفهومی پس این است؛ زینت برای محرم را می‌گوید موضع قلاده فما فوقها، موضع دمیج فما دونها، موضع خلخال ما اسفل منه، بگویم پس مفهومی این است که ران زن، شکم، کتف‌های زن اینها را حتی محرم هم نمی‌تواند ببیند؛ قبلاً ما گفتیم که اولاً ابی الجارود از نظر سند مورد اعتبار نیست، خودش ضعیف است روایتش روایت مورد قبولی نیست.

اما با قطع نظر از این اشکال سندی يك روایت در مقابل این همه ادله که اجماع داریم، سیره داریم، ضرورت فقه داریم آیه طبق بعضی از معانی داریم اینها را انسان بخواهد همه را کنار بزند و بخواهد به ظاهر این روایت عمل کند نمی‌شود، پس چه کنیم؟ یا باید بگویم حمل بر کراهت می‌کنیم، یعنی وقتی اجماع می‌گوید نظر به همه اعضاء بدن محرم جایز است الا العورة، سیره می‌گوید نظر جایز است الا العورة، ضرورت می‌گوید، روایات دیگر می‌گوید، اطلاق آیه می‌گوید، بگویم این قرینه می‌شود بر اینکه اینجا که می‌گوید اما زينة المحرم یعنی اگر زاید بر این دیده بشود کراهت دارد، ما بیاییم این را حمل کنیم که غیر از این سه موضع از اعضاء و اندام باطنی زن دیدنش کراهت دارد. البته اشکال این کراهت هم این است که کسی فتوای به کراهت هم نداده است؛ ممکن است از جهت صناعت علمی به این نتیجه برسیم آن هم با فرض این که حالا سند روایت را کسی اشکال نکند، نتیجه این می‌گیریم این همه ادله را قرینه بگیریم بر اینکه مراد از این کراهت است اما اشکالش این است که کسی فتوای به کراهت نداده است، هیچ کس نیامده بگوید آقا زاید بر این کراهت دارد، نه غیر از عورت گفته‌اند من دون لذت و ریه جایز است.

پس خبر ابی الجارود را یا باید بگذاریم کنار، یا روایت را در اینجا حمل بر کراهت نمایم. نسبت به اجماع، فقط مرحوم علامه در تحریر يك مخالفت مای کرده است، علامه در تحریر فرموده: «ليس للمحرم التطلع في العورة و الجسد عارياً» عاریا نمی‌تواند عورت و جسد را ببینند اما دیگران همه گفته‌اند مانعی ندارد و مسئله مسلم اجماعی است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

